A Study of the Symbolic Motif "Div" or Demon in Sani al-Mulk's Illustrations of the Book of *One Thousand and One Nights* Manuscript of Golestan Palace Library*

Abstract

Legends have been included and decorated with various images, since long ago. These images have both decorative and narrative aspects. Understanding the components and their relationships in images to understand the structure is one of the ways to obtain meaning. Repetition of symbolic elements from very distant times to recent times requires an explanation of how it was formed. The iconography method in the interpretation of works of art tries to show the connection between the image and the text after the detailed description of the image with a comparative method and to analyze the meaning of these images by revealing the repeated structural pattern in different cultures. "Demons" are beings with surreal characteristics, whose unique characteristics and powers have made them special in Persian legends, literary works, paintings, and illustrations. Their abilities and their powers such as: flying, turning into a human or a bird, the ability to change shape, etc. The book *One Thousand and One Nights*by Abdul Latif Tasuji or "Thousand Tales" is originally one of the old Pahlavi texts, which was translated into Arabic after Islam and by adding legends to it, it became known as "Alf Laila and Laila" or "Arabian Nights". This book is illustrated by Abul Hasan Ghafari who is often known as Sani al-Mulk. Indeed, He supervised the illustration of a famous *One Thousand and One Nights* manuscript, which can be viewed today in Tehran in the Golestan Palace Library. Common to all the editions of the Nights is the framing device of the story of the ruler Shahryar being narrated the tales by his wife Scheherazade, with one tale told over each night of storytelling. This book includes various symbolic features in the context of legendary narratives both in the narrative and in the illustrations presented. The following research, using the iconography method in descriptive-analytical research, investigates the visual and surreal characteristics of the "Div" -demons- in the legends of *One Thousand and One Nights* and the degree of fidelity of the illustrator of the book (Sani al-Mulk) to the text. In this regard, after identifying the visual and surreal characteristics of demons in pictorial and fictional examples, we will compare and classify them; Then we try to investigate the expressive relationship between the supernatural characteristics of "Div"-demons- and the behavioral characteristics of demons in the framework of the theoretical foundations of the research. Also, we intend to evaluate (positive and negative) legendary creatures like demons based on their symbolic identification by referring to visual and verbal evidence. The results of this research show that demons, giants, monsters, goblins, and fairies are all considered to be from the same family, and their positions change according to different situations. The appearance of these creatures does not have the same characteristics in any narrative; These legendary creatures have the ability to change their faces, and the interesting thing is that none of the available evidence indicates the completely negative characteristics of these creatures..

Received: 9 Jan 2024
Received in revised form: 14 May 2024
Accepted: 9 Nov 2024

Arefe Sarami[1] iD (Corresponding Author)
Phd of Art Reasearch, Department of Research in Art History, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: a.sarami@modares.ac.ir
Shamim Vakili[2] iD
Master of Illustration, Department of Art, Allameh Feizul-Islam University, Iran. E-mail: Shamim.vakili69@gmail.com

Doi: https://doi.org/10.22059/jfava.2024.370750.667233

Keyword
Div (Demon), Fairy and Monster, The Book of *One Thousand and One Nights*, Illustration, Iconography, Symbolic Study

Citation: Sarami, Arefe; Vakili, Shamim (2024). A study of the symbolic motif "Div" or demon in Sani al-Mulk's illustrations of the book of *One Thousand and One Nights* manuscript of golestan palace library, *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 29(4), 49-62. (*in Persian*)

© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press

*This article is extracted from the second author's master thesis, entitled: "An iconographic study of the motif of 'demon' in the manuscript of *One Thousand and One Night*" under the supervision of the first author at the University of Allameh Feizul-Islam.

نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی ● دوره ۲۹ ● شماره ۴ ● زمستان ۱۴۰۳

نمادشناسی نقش‌مایه «دیو» در نگاره‌های صنیع‌الملک از نسخه خطی *هزار و یک شب* کاخ گلستان*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹
عارفه صرامی[۱] (نویسنده مسئول): دکتری پژوهش هنر، گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
E-mail: a.sarami@modares.ac.ir
شمیم وکیلی[۲]: کارشناس ارشد تصویرسازی ، گروه هنر، دانشگاه علامه فیض‌الاسلام اصفهان، اصفهان ، ایران. E-mail: Shamim.vakili69@gmail.com
Doi: https://doi.org/10.22059/jfava.2024.370750.667233

چکیده

کتاب *هزار و یک‌شب* عبداللطیف طسوجی یا *هزار افسان* از متون کهن پهلوی است که پس از اسلام به عربی ترجمه و با افزودن افسانه‌هایی به آن، با نام عربی *الف لیلة و لیلة* شناخته شد. این کتاب توسط ابوالحسن غفاری ملقب به (صنیع‌الملک) تصویرگری شده‌است. کتاب هم در روایت داستانی و هم در تصویرگری‌ها دربرگیرنده ویژگی‌های نمادین در بافت روایت‌هاست. پژوهش پیش‌رو با کاربست روش آیکونوگرافی در یک تحقیق توصیفی- تحلیلی به بررسی ویژگی‌های ظاهری و فراواقعی دیوها در داستان‌های هزار و یک‌شب و میزان وفاداری تصویرگر کتاب به متن می‌پردازد. در این راستا پس از شناسایی ویژگی‌های ظاهری و فراواقعی دیوها در نمونه‌های تصویری و داستانی به تطبیق و دسته بندی آن‌ها خواهیم پرداخت؛ سپس ارتباط بیانی میان ویژگی‌های فراواقعی دیوها و خصوصیات رفتاری دیوها را در چهارچوب مبانی نظری تحقیق بررسی کنیم. هم‌چنین برآنیم تا با استناد به شواهد تصویری و کلامی به ارزش‌گذاری (مثبت و منفی) دیو بر اساس شناسایی نمادین آن‌ها بپردازیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دیو، غول ،عفریت و اجنه و پریان همه از یک خانواده محسوب می‌شوند و بنا بر موقعیت‌های مختلف جایگاه آن‌ها تغییر می‌کند. ظاهر این موجودات در هیچ روایتی ویژگی‌های یکسان ندارد؛ این موجودات افسانه‌ای قابلیت تغییر چهره دارند.

واژه‌های کلیدی
دیو (غول)، عفریت، کتاب *هزار و یک شب* (*الف لیلة و لیلة*)، تصویرسازی، آیکون نگاری(آیکونوگرافی)، نمادشناسی

استناد: صرامی، عارفه؛ وکیلی، شمیم (۱۴۰۳)، نمادشناسی نقش‌مایه «دیو» در نگاره‌های صنیع الملک از نسخه خطی *هزار و یک شب* کاخ گلستان، نشریه *هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۲۹(۴)، ۴۹-۶۲.

© نگارنده(گان)
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده دوم با عنوان « آیکون‌نگاری ویژگی‌های تصویری «دیو» در قصه‌های *هزار و یک شب* » می‌باشد که با راهنمایی نگارنده اول در دانشگاه علامه فیض‌الاسلام ارائه شده است.

مقدمه

دیو، موجود عجیب و فراواقعی است که وصف آن در بسیاری از داستان‌ها و افسانه‌ها نسل به نسل و سینه به سینه نقل شده‌است. داستان‌هایی که توسط نویسندگان و شعرای بزرگ ایران به رشته تحریر در آمده‌اند و در برخی مواقع، نقالان با اغراق و افزودن تخیلاتشان به آن‌ها، موجب ماندگاری آن‌ها در طول تاریخ شده‌اند در اکثر نوشته‌های تاریخی دیوها، موجوداتی درشت اندام، با شاخ‌هایی بلند و دندان‌های تیز بیرون زده از فک، و با رنگ‌های تیره توصیف شده‌اند. موجوداتی که در طی تاریخ از مقام خدایی تنزیل یافته‌اند و بعدها به شکل موجوداتی پلید درآمده‌اند. این موجودات معمولاً با چند ویژگی (کنش) تکراری توصیف می‌شوند؛ ویژگی‌هایی که ممکن است در برخی از آن‌ها مشترک نباشد. بیشترین ویژگی (کنش)هایی که برای این موجودات نامتعارف برشمرده‌اند عبارتند از: شکل و شمایل عجیب و ترسناک و قدرت زیاد؛ آدم‌ربایی و علاقه زیاد به خوردن خون و گوشت انسان؛ در باورهای بعضی ادیان، این موجودات در دوزخ ارواح مردگان بدکار را شکنجه می‌دهند؛ و از اشیاء جادویی و یا با ارزش نگهداری می‌کنند (تاواراتانی،۱۳۹۳، ۸-۹). در حالی که در نمونه‌های ایران باستان، آفرینش دیوان و موجودات اهریمنی به‌وضوح آفرینش مینوی اورمزد و موجودات اهورایی، در اوستا و کتاب‌های پهلوی توصیف نشده‌است. از برخی از این دیوها تنها نامی باقی مانده که اطلاعات بیشتری را به همراه ندارد و تنها می‌توان گفت همان‌طور که بدی در مقابل خوبی است، اهریمن در برابر اورمزد و سپندمینو قرار می‌گیرد و برای هر کدام از امشاسپندان و ایزدان هماورد یا رقیبی از قلمرو اهریمن است؛ اما با توصیفات بسیار کم و مبهم. این موجودات بد در قلمرو اهریمن خود شامل دسته‌های زیرین هستند و مانند ایزدان سلسله مراتب دارند و از نظر اهمیت و قدرت عمل در مقام‌های بالا و پایین قرار می‌گیرند. دیوان دوران مینوی شامل سردیوان که سرکردگان دیوان هستند؛ دیوان و دروجان که جلوه همه زشتی‌ها و پلیدی‌ها هستند و علاوه بر این دیوان در دوران مینوی، دیوانی که در رویدادهای زمینی نقش دارند و پری‌ها در دوران گیتیی در ایران باستان قابل ذکر است (آموزگار، ۱۳۸۹، ۳۷- ۴۳).

در این مقاله، پس از گردآوری نتایج تحقیقات پیشین پیرامون مورد مطالعه این پژوهش، به نمادشناسی دیوها در روایت‌های هزار و یک شب می‌پردازیم. در این راستا، به طبقه‌بندی و تطبیق ویژگی‌های ظاهری و کارکرد دیوها در متن روایت‌های نسخه خطی *هزار و یک شب* کتابخانه گلستان، تنها نسخه خطی مصور ترجمه فارسی ازکتاب *الف لیله و لیله* به زبان عربی و نگاره‌های باقی‌مانده مرتبط با این روایت‌ها پرداختیم و کوشیدیم با کاربست روش آیکونوگرافی وجه نمادین مشترک میان داستان‌ها، تمثیل‌ها و تاریخ تصاویر مرتبط را شناسایی و این شخصیت را در فرهنگ ایرانی- اسلامی نمادشناسی کنیم.

روش پژوهش

راه‌های بسیاری برای پیوند یک اثر به تاریخ وجود دارد که شامل عناصر گوناگون از دورانی است که اثر هنری در آن به وجود آمده است. یکی از این راه‌ها، تحلیل آیکونوگرافیک اثر هنری است که بر آن ادعا است تا معنای اثر هنری را در زمان خلق آن تثبیت کند. تحلیل آیکونوگرافیک همواره وابسته به گردآوردن شواهد و مدارکی است که سبب بازسازی این معانی می‌شود. به کارگیری روش آیکونوگرافی در حوزه تاریخ هنر و نمادشناسی، حاصل پی‌گیری پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای در منابع دست اول و منابع زبانی و یا ارجاعات موردی به منابع دست دوم و موثق را در بر می‌گیرد. اروین پانوفسکی[1] تأثیرگذارترین مورخ هنر در قرن بیستم است که توانست این روش را در قالب روشی سه گانه در آورد. مطابق با آن چه در این ساختار سه بخشی در تحلیل اثر هنری آمده؛ سطح اول شامل شناخت فرم‌های اولیه وناب است که معنای اولیه نامیده می‌شود. سطح دوم یا معنای ثانویه که نقش‌مایه‌های هنری را با متون و مفاهیم پیوند می‌دهد و در سطح سوم که به تفسیر ارزش‌های نمادین پرداخته می‌شود، معنای واقعی یا محتوایی نام دارد. اهمیت محتوایی اثر هنری در نتیجه‌ی پژوهش پانوفسکی به همان میزانی است که به کیفیت فرمی آن پرداخته شده‌است. این ویژگی، او را برای گسترش نظریه‌ی خود بر پایه‌ی کیفیات فرمی ذاتی اثر هنری که در آن قواعدی نظام‌مند پیوند دهندهٔ فرم و محتوا هستند، هدایت کرد (صرامی، ۱۳۹۳، ۱۰-۱۲).

آیکون‌نگاری (آیکونوگرافی) و آیکون‌شناسی (آیکونولوژی) روش‌هایی هستند که امروزه در تاریخ هنر به ابعاد گسترده معنایی آثار هنری می‌پردازند. این دو گرچه از لحاظ نظری تفاوت‌هایی باهم دارند اما در اجرای پژوهش درباره معنای اثر هنری اغلب باهم تلاقی می‌کنند و نمی‌توان مرز مشخصی برای آن‌ها قائل شد. نگاره‌ها سوای بازنمود افراد، حالت‌ها، رویدادها، نمادها و تمثیل‌های بسیار کهن را با خود حمل می‌کنند که برای فهم معنایی آن‌ها نیاز به شناخت تاریخ فرهنگی و فرهنگ داریم. آیکون‌نگاری از آغاز قرن بیستم این وظیفه علمی را در حوزه تاریخ هنر بر عهده گرفته است تا با استناد به منابع نوشتاری موضوع بازنمایی شده در آثار هنری را شناسایی و تحلیل کند (مختاریان و صرامی، ۱۳۹۵، ۵۴).

پانوفسکی، در ارائه تفسیر آیکون‌شناسی خود، برای رسیدن به معنای محتوایی-تاریخی تصویر ساختار سه تایی و سلسله‌مراتبی را به کار گرفته بود: «در مرتبه اول،تجربه عملی (شناخت رویدادها و ابژه‌ها)، در مرتبه دوم تشخیص تفاوت‌های بیانی و کشف موضوع یا مضمون تصویر و در نهایت شناخت گرایش‌ها و تمایلات ذهن انسان قرار داشت» (مختاریان و صرامی، ۱۳۹۵، ۵۴؛ Hart, 1993, 534-535).

در این پژوهش در راستای نمادشناسی نقش‌مایه دیو در نگاره‌های نسخه خطی *هزار و یک شب* کتابخانه گلستان کوشیده می‌شود؛ که با به کارگیری روش آیکونوگرافی در تحلیل محتوای اثر هنری، گامی به درک و تفسیر اثر هنری - تجسمی نزدیک شویم. شایان ذکر است که ماهیت این روش در تحقیقات کیفی، توصیفی- تحلیلی است و روش گردآوری داده‌های این پژوهش روش کتابخانه‌ای است. داده‌های تصویری مورد پژوهش این مقاله نیز از تصاویر نسخه هزارو یک شب در آرشیو کتابخانه گلستان انتخاب شده‌است.

پیشینه‌پژوهش

آنچه مسلم است، تکرار بن مایه‌های مشابه در ادبیات عامیانه با به کارگیری عناصر و نقش‌مایه‌های مشابه با هدفی همراه بوده‌است. یکی از این شخصیت‌های پرتکرار در داستان‌های عامیانه ایرانی دیو است. این موجود از دسته موجودات عجیب و غریب شامل غول، دیوان، پریان[2]، عفریت، اجنه و غیره که بر اساس خاستگاه روایت یعنی جامعه ایرانی، پس از تحولات زردشتی، مذموم معرفی شده‌است؛ گرچه برخی

جنبه‌های مثبت آن‌ها که متعلق به جامعه هند و ایرانی است، در بخشی از ادبیات عامیانه حفظ شده‌است. در این بخش می‌کوشیم ضمن مرور تاریخچه *کتاب هزار و یک شب*، به بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین درباره ویژگی‌های ظاهری و کارکرد موجودات عجیب و غریب ، به ویژه دیوها، در تصویرسازی‌های کلامی و نگاره‌های بصری بپردازیم.

مبانی نظری پژوهش

نسخه خطی *هزار و یک شب* کتابخانه گلستان

نسخه خطی *هزار و یک شب* کتابخانه گلستان، تنها نسخه خطی مصور ترجمه فارسی کتاب *الف لیلة و لیلة* به زبان عربی است. این نسخه از کتاب *هزار و یک شب* پرنگاره‌ترین نسخه خطی فارسی به‌شمار می‌رود. این نسخه دارای ۳۶۵۵ نگاره به‌صورت ۱۱۳۶ برگ دورو است و آخرین نسخه مصور خطی تولیدشده در دربارهای ایران‌است (بوذری، ۱۳۹۳، ۹۰). در ایران نخستین بار، کتاب *هزار و یک شب* به فرمان بهمن‌میرزا، حاکم‌آذربایجان و فرزند چهارم عباس‌میرزا (۱۲۲۵-۱۳۰۱ ه.ق.) (بامداد، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ج. ۱، ۱۹۵-۱۹۸)، توسط میرزا عبدالطیف طسوجی تبریزی (۱۲۹۷ ه. ق) از نسخه عربی بولاق مصر (منتشرشده در سال ۱۲۵۱ ه.ق./ ۱۸۳۵ م.) به فارسی برگردانده شد (همان، ج ۲، ۲۷۶). بنا بر مقدمه نسخه کتاب *هزار و یک شب* (۱۲۶۱)، میرزا محمدعلی اصفهانی (۱۲۲۸- ۱۲۸۵ ه. ق) ملقب به شمس‌الشعرا (متخلص به سروش) متناسب با متن، سروده‌های خود یا شاعران نامدار را به کتاب افزود. این ترجمه بین سال‌های ۱۲۵۹- ۱۲۶۰ ه. ق، آماده و در سال ۱۲۶۱ ه.ق، (۱۸۴۵ م.) در دو جلد، در تبریز، به شیوه چاپ سنگی منتشر شد (همان، ۹۰-۹۱).

در عهد ناصری، به فرمان ناصرالدین‌شاه، نسخه‌ای مصور از *هزار و یک شب* از روی ترجمه مذکور تدوین شد. این مجموعه نفیس با مباشرت حسینعلی‌خان معیرالممالک (۱۲۷۴ ه.ق؛ بامداد، ۱۳۴۷-۱۳۵۱، ج. ۶، ۹۳-۹۴)، در مجمع‌الصنایع ناصری (یوسفی‌فر، ۱۳۹۰، ۴۲-۶۴) تهیه شد.

نسخه‌شناسی نسخه *هزار و یک شب* مجمع‌الصنایع ناصری

الف لیلة و لیلة. پایان تحریر: ۱۲۶۹ ه.ق (۱۸۵۲ م)؛ پایان مصورسازی: ۱۲۷۶ ه.ق (۱۸۵۹ م.)؛ ۲۲۸۰ صفحه (۱۱۴۲ صفحه متن ، ۱۱۳۴ صفحه تصویر، و ۴ صفحه بیاض)؛ ابعاد: ۳۰۰ ×۴۵۰ مم، ابعاد نوشتار: ۱۸۰×۳۲۰ مم، ۳۰ سطر؛ کاتب: محمدحسین کاتب‌السلطان تهرانی؛ نقاش: میرزا ابوالحسن‌خان غفاری ملقب به صنیع‌الملک (ذکا، ۱۳۸۲، ۲۰؛ ذکا، ۱۳۴۲الف، ۱۷-۲۰؛ ذکا، ۱۳۴۲ب، ۱۴-۲۷)؛ و شاگردانش. مذهبان: غلامعلی مذهب‌باشی و میرزا احمد مذهب؛ جلدساز: میرزا جانی جلدساز؛ صحاف: میرزا یوسف صحاف؛ محل نگهداری: تهران، کاخ گلستان (بوذری، ۱۳۹۳الف، ۹۱-۹۴؛ بوذری، ۱۳۹۳ب، ۱۶۰-۲۷۵؛ هادی،۱۳۶۶، ۱۰۳). نسخه خطی فارسی *هزار و یک شب* در کتابخانه کاخ گلستان با شماره ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ ثبت شده‌است.

در هر صفحه از این نسخه مصور از سه تا شش مجلس تصویر با تکنیک آبرنگ نقاشی و حاشیه آن تذهیب (مرصع) شده‌است و درمجموع بیش از ۳۶۵۵ نگاره دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک.: بوذری، ۱۳۹۳ب، ۱۶۰-۲۷۵).

شایان ذکر است که در این پژوهش، پس از بررسی متن روایی نسخه‌های مختلف و همکاری کتابخانه ملی برای در اختیار گذاشتن تصاویر مرتبط با مورد پژوهشی این مقاله، ما به گردآوری متن بیست و دو روایت ویازده تصویر باقی مانده از صنیع‌الملک پرداختیم. برخی از روایت‌ها دارای متن تو در تو هستند و حتی در جریان روایت شخصیت‌های محوری با کارکرد یکسان نام متفاوتی گرفته‌اند، بنابراین در برخی از نمونه‌ها متن روایت‌ها را نمی‌توانیم تفکیک کنیم و آن‌ها را حکایت‌های جداگانه‌ای بدانیم. هم چنین برخی روایات در نسخه‌های مختلف منتشر شده از کتاب *هزار و یک شب* پیرنگ متفاوتی دارند و یا به‌صورت بخشی از روایت‌های دیگر هستند، بنابراین ما برای بررسی این روایت‌ها تنها به نسخه مرجع این مقاله[۳] استناد کرده‌ایم و کوشیدیم عنوان حکایت‌ها را از یکدیگر تفکیک نماییم تا طبقه‌بندی ویژگی‌ها در بافت‌های روایی جداگانه ساده‌تر شود. از سوی دیگر، همه حکایت‌های مرتبط با مورد پژوهش پیش‌روی، دارای تصویر نیستند. در این نمونه‌ها تنها متن روایت، توصیف کننده و بیان‌گر ویژگی‌های ظاهری و کارکرد دیوها در روایت است.

از پژوهش‌های ارائه شده پیرامون نقش نمادین دیو در متون روایی و تصاویر نمادین به جای مانده در دوره‌های مختلف و وابسته به ادبیات روایی دوره‌های مختلف می‌توان به نمونه‌های پژوهشی زیر اشاره کرد:

راشدی محصل و حسین‌زاده هرویان در مقاله‌ای به بررسی شخصیت‌پردازی، توصیف زاویه دید و تصویرپردازی داستانی دیو سپید در داستان *رستم و دیو سپید* پرداخته‌اند. در این مقاله ضمن بررسی رویدادهایی که در طراحی ساختار داستان مؤثر است؛ به روش فردوسی در توصیف رویدادها از سه منظر توصیف به وسیله کنش‌ها، توصیف یا توضیح مستقیم، و توصیف به یاری گفت و گو میان شخصیت‌ها می‌پردازد. نتیجه حاصل از تحقیق ایشان نشان می‌دهد که رستم و دیو سپید باتوجه به شخصیت‌پردازی‌ها و تصویرسازی‌های داستانی دو شخصیت اصلی در ساختار داستان هستند. این شخصیت‌ها در داستان ثابت و ایستا هستند و الگوی شخصیتی یکسانی دارند. در این داستان‌ها بسیاری از ویژگی‌ها از طریق گفت و گو میان شخصیت‌های اصلی آشکار می‌شود. این توصیفات شامل توصیفات رایج شاعر درباره ویژگی‌های ظاهری دیو سپید، غارهای تاریک، چگونگی مواجهه رستم و دیو سپید بوده است. توصیف به وسیله کنش‌ها شامل صحنه آماده شدن رستم برای جنگ با دیو سپید، آمدن دیو سپید به سوی رستم و نبرد رستم و دیو سپید است. هم چنین، توصیف به واسطه گفت و گو شامل حدیث نفس دیو سپید و حدیث نفس رستم است. برای نمونه فردوسی در این تمثیل شخصیت دیو سپید را این گونه توصیف کرده‌است (راشدی محصل و حسین زاده هرویان، ۱۳۹۲، ۱۲۱-۱۳۸)؛

سوی رستم آمد چو کوهی سیاه از آهنش ساعد وز آهن کلاه

(فردوسی، ۱۳۸۶، بیت ۵۷۰)

در مقاله دیگری با محوریت نقش مایه دیو سپید در *شاهنامه*، نویسندگان به بررسی سیر تحول نگاره *دیو سپید و رستم* در رابطه با مکاتب نگارگری ایرانی پرداخته‌اند و این نگاره از *شاهنامه* در دوران مختلف را نماینده سبک دوران دانسته‌اند. این مقاله با بررسی تفاوت‌های سبک نگارگری در مکتب هرات، شیراز، تبریز و اصفهان به ویژگی‌های ظاهری دیو سپید در این چهار مکتب پرداخته است. برپایه این پژوهش گرچه ویژگی‌های زیادی از

این نگاره‌ها مقید به ویژگی‌های مکتب یا سبک اثر است اما شباهت‌هایی در ویژگی‌های ظاهری با سایر نمونه‌های تصویری وجود دارد؛ از جمله: دیو با چهره تیره و سر بی مو و شاخ دار. هم چنین از دید پژوهشگر در نگاره‌های *شاهنامه تهماسبی* (مکتب تبریز) در تصویرگری سپاهیان دیوها، ویژگی‌های تکراری به تصویر کشیده شده که شامل: رنگ تیره بدن، شاخ، (نیمه) برهنه بودن و اندام نامتعارف است (شاطری و اعراب، ۱۳۹۴، ۱۵-۲۶). در مقاله‌ای با عنوان *تحلیل کیفی بصری دو پرده روایی عصر قاجار*، پژوهشگر ابتدا ضمن نقل وقایع و معرفی شخصیت‌های موجود در افسانه هفت خان رستم و توضیحی مِن باب معرفی آن‌ها پرده تصویرسازی‌شده را از نظر ترکیب‌بندی مورد بررسی قرار داده‌است و بعد از آن به توصیف ویژگی‌های ظاهری دیوها پرداخته است. در هر دو صحنه ،دیوهای شاخ دار و دم دار با پیکر بزرگ، ابروهای پهن ،سیبیل بلند و پرپشت حالت‌دار و گوش‌های بزرگ تصویر شده‌اند. عموماً در افسانه‌های ایرانی ،دیوها با پیکر بزرگ و شمایل عجیب حیوانی(ظاهری ترسناک ،باطنی ساده‌لوح) معرفی می‌شوند (مونسی سرخه و حسین‌زاده قشلاقی، ۱۳۸۹، ۱۰۰-۱۰۲). توصیف دیو سپید به نقل از فردوسی و محمد جعفر یاحقی این گونه است: «برای این که از دیو سیاه متمایز گردد، رئیس دیوان مازندران را دیو سپید خواندند. به هر حال داشتن بدن سیاه و موی سر سفید، احساس شومی بیشتری به آدمیان دست می‌دهد» (تاوارتانی، ۱۳۹۳، ۸ ؛ عظیمی‌پور، ۱۳۹۲، ۶۹).

باقری و کیاده (۱۳۸۸، ۱-۸) در مقاله ای با عنوان *اکوان دیو و «وای» اسطوره باد*، به بررسی شباهت‌های ظاهری اکوان دیو و فئی لاین[۴] (خدای باد در اساطیر چین) پرداخته و معتقد است با توجه به شباهت‌های بسیار زیادی که در وصف این دو آمده، دو راوی ایرانی و چینی به شکل آشکارا از هم وامگیری داشته‌اند و بر این باور است که فردوسی ،در داستان خود به‌طور واضح از زبان راوی چینی روایت کرده‌است؛

گوان خوان و اکوان دیوش مخوان ابر پهلوانی بگردان زبان

(*شاهنامه* فردوسی.ج.۱، ۳۷۱)

فردوسی اکوان دیو را از نظر ظاهری، چون زرد درخشان و باطنی زشت به تصویر کشیده‌است. سرش که مانند ماری از پوست بیرون آمده، شبیه به سر یک پیل با موهای دراز است و دهانش پر از دندان‌هایی شبیه به دندان‌های گراز و چشمانش سپید و لبانش سیاه است. نام گوان خود مارا به یاد گوان یو خدای اساطیری جنگ چینی می‌اندازد. از طرفی تجسم فئی لاین به‌صورت پیرمردی با شنلی زرد رنگ ما را به یاد خدای ریش‌دار، *اُادو*[۵] خدای باد سکایی‌ها می‌اندازد.

کریستین‌سن، داستان نبرد گشتاسب با اَخوان[۶] سپید را در کتاب *جاماسپ‌نامه* متأثر از پیکار رستم با اکوان دیو و دیو سپید انگاشته است (کریستین‌سن، ۱۸۱۳، ۱۴۲) و بدین سان ظاهراً میان اَخوان و اکوان رابطه قائل شده‌است، این استنباط از آنجا ناشی شده است که گویا او *خیونان*[۷] را در *جاماسپ‌نامه* به سهو اخوان خوانده است (اکبری مفاخر، ۱۳۸۹، ۲۴۸).

بر اساس ریشه‌شناسی در خط پهلوی، با مقایسه اکوان دیو و دیو باد در اساطیر چینی به گفته کویاجی این احتمال به وجود آمده که داستان رستم و اکوان دیو روایتی از بن مایه نبرد پهلوان با باد است. در روایت‌های عامیانه به روابط خانوادگی اکوان دیو اشاره شده که دارای مادر،همسر و پسرانی بوده است و بنا بر داستان‌هایی که از عوام نقل گشته، از جمله در داستان شیرویهٔ نامدار/ شاهزاده شیرویه (احتمالاً از عصر صفوی) مادر اکوان دیو بر یکی از کسانِ روایت به نام سلیمان ثانی ظاهر می‌شود و می‌گوید چون جهانگیر پسرِ سلیمان یکی از فرزندان او را - که اصولاً باید برادر اکوان باشد- در شهر حلالیه کشته، او نیز به تلافی، دو پسرِ سلیمان ثانی را ربوده و نزد دیوان برده است.(سیف‌الدینی،۱۳۸۴، ۴۰۲،۴۱۳) . در روایات شفاهی- عامیانه از داستان‌های *شاهنامه*، *اورنگ* نام برادر اکوان است که به همراه مادرش به دست رستم کشته می‌شوند و خود اکوان می‌گریزد (انجوی، ۱۳۶۹، ۱۵۷). هم‌چنین به توصیف *صندلوس*،پسر اکوان دیو پرداخته می‌شود: او دیوی است به رنگ صندل سفید که به زردی می‌زند و هشتاد ارش بالا دارد و سرش مثل سر گاو است و دو شاخ عظیم دارد هر شاخی تا ده گز بر کله دارد. پاهای او مثل پای پیل است و دست‌های او مثل دست آدمی و دمی دارد مثل دم شیر اما عظیم با هیبت و با صلابت و با زور تمام که به زور چنان است که هزار سنگ را از زمین برمی‌دارد.

ذبیحی و همکاران (۱۳۹۹، ۳۵-۴۷)، در خلال ارائه یک تحلیل تطبیقی پیرامون شخصیت‌پردازی موجودات تخیلی-تلفیقی در نگاره‌های دو نسخه عصر گورکانی و عصر ایلخانی از عجایب المخلوقات قزوینی به تعداد دیوها، جن‌ها در شمار موجودات مافوق طبیعی در این دونسخه پرداخته‌اند و برخی ویژگی‌های ظاهری آن‌ها را برشمرده‌اند.

پیداست که پژوهشگران پیشین برای تحقیق پیرامون موجودات مافوق طبیعی از جمله دیوها اغلب به رایج ترین منبع پژوهش‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای، *شاهنامه* فردوسی، و شخصیت‌های مافوق طبیعی همانند دیو سپید، اکوان دیو در آن کتاب پرداخته‌اند، هم چنان که ما نیز برای ادامه این سیر پژوهشی و یافتن بن‌مایه‌های اساسی این نقش نمادین از شاهد آوردن از این متن ادبی بسیار غنی، *شاهنامه* فردوسی، بهره‌مند بوده‌ایم؛ اما موضوع این پژوهش خاصه، نمادشناسی نقش نمادین دیو در تنها نسخه مصور از *هزار و یک شب* کتابخانه کاخ گلستان و پرداختن به ویژگی‌های این نماد در متن روایی و تصاویر نمادین همونده با همان متن روایی- اسطوره‌ای و فرهنگ کهن است تا سیر تحول و جایگاه الگوهای نمادین در دوره‌های بعد نیز آشکار گردد.

بررسی ویژگی‌های ظاهری و رفتاری دیوها در روایت‌های *هزار و یک شب*

در این پژوهش ما به گردآوری متن بیست و دو روایت نسخه هزار و یک شب و یازده تصویر باقی مانده از صنیع‌الملک با محوریت نقش نمادین *دیو/ عفریت* پرداختیم. برخی از روایت‌ها دارای متن تو در تو هستند و حتی در جریان روایت شخصیت‌های محوری با کارکرد یکسان نام متفاوتی گرفته‌اند، بنابراین در برخی از نمونه‌ها متن روایت‌ها را نمی‌توانیم تفکیک کنیم و آن‌ها را حکایت‌های جداگانه‌ای بدانیم. هم چنین برخی روایات در نسخه‌های مختلف از کتاب *هزار و یک شب* پیرنگ متفاوتی دارند و یا به‌صورت بخشی از روایت‌های دیگری هستند، بنابراین ما برای بررسی این روایت‌ها تنها به نسخه مرجع این پایان‌نامه استناد کردیم و کوشیدم عنوان حکایت‌ها را از یکدیگر تفکیک نماییم تا طبقه بندی ویژگی‌ها در بافت‌های روایی جداگانه ساده‌تر شود. از سوی دیگر همه حکایت‌ها دارای تصویر نیستند، در این نمونه‌ها تنها متن روایت، بیان‌کننده ویژگی‌های

ظاهری و کارکرد دیوها است و در جدول نهایی (۱) به این روایت‌ها تصویر اختصاص داده نشده‌است. باری در این مقاله، برای خلاصه‌کردن نتایج به‌دست‌آمده، دستاورد مداقه در روایت‌ها و تصاویر را به اختصار در جدول تطبیقی ارائه کردیم و فقط ویژگی‌های روایی و تصویری در دو حکایت« مکر زنان و سیف‌الملوک» و « بدیع الجمال تحلیل» تفصیلی نمودیم.

ریشه‌شناسی واژه دیو

«دیو عنوان گروهی از خدایان آریایی در ایران باستان بوده‌است که به‌تدریج مقام آن‌ها تنزیل یافته و به موجودات پلید اهریمنی بدل شدند و در زبان و ادب فارسی نام موجودی افسانه‌ای که به آدمیان دشمنی دارد» (رضایی باغ‌بیدی و افشاری،۱۳۹۲).

واژه دیو علاوه بر ایران باستان ،در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌های دیگر نیز وجود داشته‌است. دیوها عمدتاً موجودات بزرگ و با هیبتی توصیف شده‌اند؛ اما نکته قابل توجه در تمام این متون و فرهنگ‌ها ،تفاوت معنا و جایگاه دیوها است . دیو از واژه سانسکریت[۸] به معنی خدا، آمده است. اما در هند و ایران، دیو یعنی *daeva* معنی کاملاً متفاوتی دارد. در مورد اسوره (اهوره) هم همین‌گونه است. اگرچه در فرهنگ ایرانی، *daeva* مطرود شناخته شده است و شخصیت منفی به آن بخشیده شد، واژه *daeva* در زبان‌های اروپایی با معنی مثبت باقی مانده است. *divine* به معنی خدایی، الهی است. در فرهنگ و تمدن هند *daeva* یا *dive* با معنی خدا یا الهه برای نام‌های شخصی هم استفاده می‌شود. اما در همان کشور اسوره معنی منفی به خود گرفت و مترادف شیطان است. در ژاپن نیز برگرفته از آیین هند و بودایی، آشورا را به‌عنوان خدای شیطان صفت و نماد جنگ و خونریزی می‌شناسند؛ او صاحب جهانی با نام خودش است و به اعتقاد بوداییان آدم‌های مغرور و شکاک پس از مرگ، در جهان آشورا[۹] متولد می‌شوند (تاواراتانی،۱۳۹۳ ، ۱۵۲-۱۵۳).

حضور دیوها در اوستا نیز دیده می‌شود. برخی از این دیوها دارای نام هم بوده‌اند. نام تعدادی از مهم‌ترین دیوها در اوستا عبارت است از: آزی[۱۰]، دیو آز (بارتولومه، ستون ۳۴۳)، اپوشه[۱۱]، دیو خشکسالی (همان ستون، ۷۲) یا ویزاتو[۱۲] به معنای جداکننده ، دیو مرگ (همان، ستون ۱۴۳۴)، بوشیانستا[۱۳]، ماده دیو کاهلی(همان، ستون ۹۷۰)، ونسو[۱۴] ماده دیو اجساد (همان، ستون ۱۰۵۷) (افشاری و رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۹۲).

در متون آئین زردتشتی، هر امر بدی را به دیوی نسبت می‌دادند. جالب آن که، ژاپنی‌ها هم هر اتفاق ناخوشایندی را به دیو نسبت می‌دادند؛ به عبارت دیگر دیوان عامل تهدید جامعه بشری بوده‌اند. دیو سرما، دیو آز، دیو خشکسالی، دیو خشم، دیو کاهلی، دیو توفان، دیو مستی، دیو گرسنگی، دیو نازایی و غیره بیماری‌های مسری را در ژاپن باستان، بیماری دیو آفریده می‌گفتند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۲۴-۲۵). هم چنین، محل اخفای این موجودات معمولاً خارج از محدوده زندگی انسان است. در ایران محل فریب دیوان و غولان را بیابان می‌دانستند. از طرفی بیابان به اعتقاد مردم کهن ،صرفاً محلی نبود که بی آب و علف و غیر قابل کشت باشد، بلکه آنجا زمین نفرین شده بود که محل ظاهر شدن موجودات پلید است (تاواراتانی ،۱۳۹۳، ۲۲).

دیو در متن روایت‌های ادبیات فارسی

شاهنامه فردوسی از کهن‌ترین متون ادبی است که در آن از دیوهای بسیاری سخن به میان آمده است. اصولاً دیوهای *شاهنامه* و دیگر آثار حماسی فارسی سیاه بوده‌اند. صفت نره در ترکیب «نَرّه دیو» نیز در *شاهنامه* و در *سام‌نامه* برای دیوها به کار برده شده‌است. در *شاهنامه*، دیوها جادوگری و افسون می‌دانند. در *شاهنامه*، هیئت و شکل دیوان به‌ندرت وصف شده اما درباره دیو سپید آمده است که بدنش مانند کوه، رنگش سیاه و موی سرش مانند برف سپید بوده است. اکوان‌دیو ،از دیگر دیوان مشهور *شاهنامه*، به شکل گورخری ظاهر می‌شود که مانند خورشید طلایی‌رنگ است و خطی مشکین بر یال دارد. نام دیگر اکوان دیو، آلابرزنگی بوده است.

به تاریکی اندر یکی کوه دید سراسر شده غار ازو ناپدید
به رنگ شبه روی و چون شیرموی جهان پر ز پهنای و بالای اوی
(شاهنامه فردوسی، ج. ۱، ۲۶۹)

آنچه از دیوان مازندران در *کوش‌نامه*، منظومه‌ای از قرن ششم، ذکر شده‌است، نشان می‌دهد که سنجدشاه، شاه مازندران بوده‌است و دیوان مردمانی قوی و تنومند و سیاه‌پوست بوده‌اند. در منابع کهن، از جمله *شاهنامه*، دیوان از نظر ظاهر با آدمیان تفاوت چندانی نداشته‌اند. در *گرشاسب‌نامه*، اندکی بیشتر از *شاهنامه* شمایل دیو وصف شده‌است:

پهنای منهراس دیو سه برابر آدمی و بلدی اش چهل ارش و تنش نیلگون است.با سنگی کوه را با زمین هموار می‌کند. هنگامی که می‌غرد، هوش و جان از شیری می‌برد. از نفسش ابر و از دندانش برق و رعد پدید می‌آید. با جستی عقاب را از آسمان و نهنگ را از قعر دریا می‌گیرد ونهنگ را در برابر خورشید بریان می‌کند و می‌خورد. در غار زندگی می‌کند و اگر از دور کشتی ببیند مردم آن را می‌گیرد و می‌خورد. (افشاری و رضایی باغ‌بیدی از قول: اسدی طوسی، ۱۳۹۲، ۲۷۳ و ۲۸۱-۲۸۳)

وصف دیو در *سام نامه* از این هم واضح تر بیان شده است؛

نهانگال دیو، شاخ دارد و می‌خواهد شاخش را در بدن سام فرو کند. صورت ابرهای دیو مانند آدمی و بدنش مانند نرّه دیو است و دو دندان پیشش مانند گراز و همه پیکرش مانند نیل سیاه است و به شکل ابر در می‌آید و معشوقه سام را می‌رباید . (افشاری ورضایی باغ بیدی،۱۳۹۲)

در امیرارسلان در وصف کشته شدن الهاک دیو آورده‌اند؛

که پیکرش چون دو پارچه کوه بر زمین افتاد. در هفت لشکر، عرض و طول مَکوکال دیو ،نیم فرسنگ است و شاخ‌های بلند از سرش بیرون زده است. طول دیو سپید از فرق سر تا پاشنه پا ۲۵۰ ارش است، شاخ بر سر دارد، از سر تا پا مثل شیر سفید است و نقطه‌های رنگارنگ برتن دارد.[۱۵] (نقیب‌الممالک شیرازی، ۱۳۵۶، ۴۰۱)

یکی دیگر از اعمال دیوان، شکنجه‌دادن مردگان گناهکار در جهنم بوده‌است. بر اساس باورهای بودایی‌های ژاپن، دیوها در دوزخ انواع و اقسام شکنجه‌ها مانند: انداختن بدکاره‌ها به دیگ جوشان، خوردکردن استخوان‌های بدنشان به وسیله چرخ گاری، چرخ‌کردن گوشت بدنشان، کشیدن ناخن‌ها و غیره بر مردگان گنهکار اعمال می‌کنند. دیوان جهنم از طرف حضرت ئِنما[۱۶] قاضی برزخ که در مورد مردگان قضاوت کرده، حکم صادر می‌کند که چه کسی به بهشت می‌رود و چه کسی به دوزخ و یا مجازات گناهکاران به چه اندازه باشد، مأمور شده‌اند. در یکی از کتیبه‌های خشایار شاه در تخت جمشید، معروف به کتیبه دیو، خشایارشاه به سرزمینی اشاره دارد که بیشتر، دیوان در آنجا پرستیده می‌شدند و او

این دیوان فارسی باستان را نابود کرده و فرمانی مبنی بر نپرستیدن دیوها صادر کرده‌است (افشاری و رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۹۲).

بنابر باورهای زردتشتی، جایگاه اهریمن و دیوها در شمال بوده است. اهریمن و دیوان هر شب برای نابودی آفریدگان اهورایی از دوزخ هجوم می‌آورند، اما با برآمدن خورشید از ایزدان شکست‌خورده و به دوزخ باز می‌گردند (همانجا).

در جای دیگر از قصه‌های عامیانه آورده شده است که؛

سلاح خاص دیوها، دار شمشاد (تنه درخت شمشاد) بوده‌است که گاه چند سنگ آسیاب هم بر آن تعبیه کرده‌اند (افشاری و مداینی، ۱۴۰۱، ۱۷۳). در برخی دیگر، دیو مانند اژدها است. مثلاً در داراب نامه طرسوسی، دیو مانند ماری بال‌دار توصیف شده‌است که آتشی از دهانش مشتعل می‌شود که مطابق با ویژگی‌های اژدها است. یکی از بن‌مایه‌های قصه‌ها این است که اژدهایی دختری را اسیر می‌کند و جوانی بیگانه به سرزمین دختر می‌رود و اژدها را کشته و با دختر ازدواج می‌کند. (افشاری و رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۹۲)

بنا بر توصیفاتی که تا این به اینجا ذکر شد، دیوها موجوداتی با هیبت و درشت اندام، گاه دارای شاخ و یا دندان‌های تیز بوده هستند، گاه بدنشان تیره رنگ و کبود بوده، چشمان تیزبینی همچون عقاب داشته‌اند و زور بازویی وصف ناشدنی. پیشتر گفتیم که دیوها در آثار ملل گوناگون مشاهده شده‌اند. برای مثال در اساطیر چینی، فئی‌لاین خدای باد خوانده می‌شود. او با برانگیختن طوفان، جنوب را به ویرانی کشانده، از این رو، به‌صورت اژدهایی در می‌آید که دارای اندام گوزن است با سر یک پرنده و دو شاخ و دم یک مار؛ گاه نیز به هیبت انسانی از مردم باستان با ریش سفید و کلاه سرخ و آبی و ردایی زرد فام تجسم می‌یابد. این خدای چینی با اکوان دیو ایرانی قابل قیاس است. شباهت این دو به قدری زیاد است که آشکارا نشان دهنده وامگیری مشترک دو روایتگر ایرانی چینی و یا ارتباط نزدیک میان این دو ملت بوده است (باقری و کیاده، ۱۳۸۸، ۶).

میان متون ادبی از همه مشهورتر دیو سپید مازندران در *شاهنامه* است. فردوسی دیو سپید را به کوهی سیاه تشبیه می‌کند؛ یعنی بدنش سیاه است. اما موی سرش مانند سفید رنگ است. این تضاد معنایی برای بسیاری از پژوهشگران وجود دارد، که دلیل نام‌گذاری دیو سپید حالت طنز دارد و یا منظوری دیگر در کار است. یاحقی می‌نویسد: «به سبب سپید بودن مویش به این نام خوانده شده است، در حالی که دیوها معمولاً سیاه رنگ مجسم شده‌اند» (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۸).

لازم به ذکر است دیوها (غول‌ها) هم مانند انسان‌ها از دو جنس مذکر و مؤنث خلق می‌شوند. در افسانه‌های ایرانی اکثر این موجودات، مذکر بوده‌اند (همان، ۱۵). در افسانه‌های هندی، دیو یا غول مؤنث را یکهینی[۱۷] می‌گویند و مذکرش را یکهه[۱۸]، این دو در افسانه‌ها به یک اندازه ظاهر شده‌اند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۵؛ آموزگار، ۱۳۸۹، ۴۱).

نکته قابل توجه این است که در افسانه‌ها، برای توصیف شکل و شمایل دیو یا غول مذکر بر بلندی قد و بزرگی جثه وهیبت او تأکید می‌شود ،که نشان دهنده‌ی قدرت و زور زیاد این موجودات است؛ اما وقتی از دیو یا غول ماده سخن به میان می‌رود بر زشتی چهره (رنگ زشت آن و چروکیدگی) تأکید می‌شود. از طرفی دیو توانایی تغییر شکل دارد؛ گاهی شکل مرد انسان و گاهی هم شکل زن انسان را می‌گیرد. از این رو در بعضی از قصه‌ها به جنسیت اصلی آن اشاره نشده است (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۵).

جنیدی در کتابی با عنوان *زندگی و مهاجرت آریائیان بر پایه‌ی گفتارهای ایرانی*، دیوها را دشمنان نژاد آریایی می‌داند. نگارنده پس از مطالعه افسانه‌های گوناگون ایرانی و غیر ایرانی و در نظر گرفتن نظریه ایشان، به نتیجه زیر رسیده است: دیوان به‌طور عمده به سه دسته تقسیم می‌شوند ؛ به عبارت دیگر پیشینیان ما سه امر را دیو خوانده‌اند: ۱. دیو یعنی بلایای طبیعی نظیر سرما و گرمای بیش از حد، طوفان و سیل...؛ ۲. اخلاق نکوهیده و کارهای ناشایست مانند دروغ‌گفتن و داشتن آز و حسد و طمع که از آدمیزاد سر می‌زند و ۳. موجودات دیگر عبارت‌اند از: موجوداتی که به آن دنیا تعلق دارند، مثل خدایان، فرشتگان؛ اقوام دیگر با مردم کشورهای دیگر؛ پیروان مذاهب و ادیان دیگر؛ مردمانی که به کارهای غیر متعارف اشتغال دارند (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۰۵-۱۱۳).

استنو[۱۹] در کتاب *تصویردیگری* می‌نویسد؛

پدیده طرد بیگانه از این ناشی می‌شود که انسان‌ها تفاوت دیگران با خود را نابهنجار تلقی می‌کنند و این پدیده هنگامی در ذهن جمعی به اوج خود می‌رسد که اسطوره‌هایی مبنی بر نژادهای غول‌سان شکل گرفته باشد. نژادهایی که معمولاً در جایی دیگر زندگی می‌کنند: آن سوی رودخانه یا دریاها، آن سوی بیابان‌ها، در آن سر دنیا شناخته شده؛ گرچه به سان موجودات کاملاً شناخته واقعی و عینی وصف شده‌اند. بیگانه‌ای که ظاهرش، مثلاً قد یا رنگ پوستش، رفتار اجتماعیش، تغذیه و روابط جنسی آن، منابع فرهنگیش، اختصاصاً از نظر زبان و مذهب یا تمام این موارد از گروه غالب بسیار متفاوت است. ممکن است که ویژگی‌های این گروه با عنوان غول‌ها در هم‌آمیخته شوند که چون تخیلی و موهوم هستند، بیشتر هراس انگیز جلوه می‌کنند. (دیهیم، ۱۳۸۳، ۱۸۷-۱۸۸)

نقش‌مایه دیو؛ ویژگی‌های ظاهری و کنش‌های آن در متن و نگاره‌های حکایت *مکر زنان*

حکایت مکر *زنان*، در جلد چهار نسخه اصلی حکایت شده‌است و دارای تصویر نیز هست؛ اما مشابه این داستان، در نسخه موجود، در جلد یک نیز آمده است. بخش‌هایی از این حکایت از روی متن نسخه اصلی بازنویسی شده‌است؛

...تو مکر ایشان ببین و با آنچه با مردان می‌کنند نظر کن و گوش به سخنان این کنیز بی عقل مسپار و نیز ای ملک شنیده‌ام که یکی از اولاد ملوک به تنهایی به تفرج بیرون رفت به بحر غزالی خرم رسید آن مکان را بسی پسندیده یافته در آنجا نشست و خوردنی که با خود داشت بیرون آورده همی خورد که ناگهان یکی پسیاهی (سیاهی) پدید شد که سر با بر می‌سود. ملک زاده هراس کرده به درختی از درختان آن مکان فراز رفت و در آنجا پنهان شد چون سیاهی نزدیک آمد، عفریتی بود که صندوق آهنین بر سر داشت. عفریت صندوق بر زمین گذاشت، سر آن گشود و دختری آفتاب روی از صندوق بیرون آورد و سر در کنار او گذاشته بخسبید. دختر قمر منظر سر عفریت بر می‌گرفت به روی صندوق نهاد خود برخاسته در مرغزار همی گشت که چشمش بالای درخت به ملک زاده افتاد و به او فرمان داد تا از درخت به زیر بیاید و ملک زاده خواهش او نپذیرفت ماهرو سوگند خورد اگر پایین نیاید عفریت را بیدار می‌کنم و تو را به او نشان می‌دهم ملک زاده از بیم فرود آمد...

این نگاره (تصویر ۱) نیز بخشی از داستان را نمایش می‌دهد.

تصویر ۱. تصویر حکایت «مکر زنان»، صنیع‌الملک، کتاب *هزار و یک شب*، صفحه ۱۲۷۸، محل نگهداری: موزه کتابخانه ملی.
مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

روایت دیگر حکایت *مکر زنان*، قابلیت تغییر شکل، آدم خواری و فریبکاری، را در حکایت *مکر زنان* نسخه ترجمه شده هزار و یک شب نشان می‌دهد. در این حکایت نیز پسر پادشاه به دختری زیبا روی برخورد می‌کند و دختر با گفتن روایتی پسر را فریب می‌دهد و با او هم سفر می‌شود پس از ساعتی تبدیل به عفریتی با منظر قبیح می‌شود؛ پسر از خدا یاری می‌خواهد، عفریت در حال به زمین افتاده و خاکستر می‌شود (طسوجی، ۱۳۸۷، ج. ۴، ۱۶۰۰-۱۶۰۱). در ادامه این روایت، پسر پادشاه با پسر ملک جنیان دیدار می‌کند و برای رساندن پسر به قصر پدرش، به غلامی به نام *راجز* دستور می‌دهد غلام تبدیل به عفریت می‌شود و پسر را بر دوش گرفته به هوا پریده و به مقصد می‌رساند (همان، ۱۶۰۹).

آنگونه که در تصویر مشاهده می‌شود، عفریت، این موجود فراواقعی، با اندازه‌ای نامتعارف که حاکی از اهمیت و بزرگی او نسبت به موجودات طبیعی است، سمت چپ تصویر عفریت خابیده (خوابیده) و دختر با شاهزاده به صحبت *پردازد* خوابیده است (تصویر ۲). دندان‌های بزرگ بیرون زده از دهان، ناخن‌های بسیار بلند سُم‌ها، رنگ تیره بدن، شاخ و بال از ویژگی‌های ظاهری آن در این تصویر است. در این تصویر، مطابق متن روایت دختر در حال صحبت‌کردن با شاهزاده است. هم‌چنان که نقاش برای تصویرگری لباس افراد، از عناصر فرهنگ ایرانی هم زمان با خلق اثر،

تصویر ۲. نقش‌مایه «عفریت در تصویرعفریت خابیده [خوابیده] و دختر با شاهزاده به صحبت پردازد»، قاب سوم از تصویر (۱)، صنیع‌الملک، کتاب *هزار و یک شب*، صفحه ۱۲۷۸، موزه کتابخانه ملی.
مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

دوره قاجار، بهره برده است.

چنان که در *سام‌نامه* تن ابرهای دیو مانند نیل سیاه است و در *داراب نامه* طرسوسی، اسکندر در سفر به زنگبار با دیوهایی روبه رو می‌شود که رئیس آن‌ها، مهکال زنگی است و در جایی اسکندر او را «ای ملعون سیاه» خطاب کرده است. نام آلابرزنگی برای اکوان دیو نیز به ارتباط دیو با زنگ، زنگبار و رنگ سیاه اشاره می‌کند (افشاری و رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۹۲، ۳۸-۴۲). در *شاهنامه*، هیئت و شکل دیوان به‌ندرت وصف شده‌است اما درباره دیو سپید آمده‌است: که بدنش مانند کوه است، رنگش سیاه و موی سرش مانند برف سفید است (همانجا).

در قصه‌های عامیانه، شکل و خصوصیات دیوان دقیق‌تر توصیف شده‌است؛ در *اسکندرنامه* دیوها در آب غوطه می‌خورند و در هوا پرواز می‌کنند (همان، ۳۷۸ و ۴۷۳ ؛ افشاری و مداینی، ۱۴۰۱، ۶۷)؛ هنگامی که به هوا می‌روند تنوره می‌کشند (افشاری و مداینی، ۱۴۰۱، ۶۸)؛ تنومند و کوه پیکرند (نقیب‌الممالک، ۱۳۵۶، ۴۰۷)

نقش‌مایه «*دیو*»؛ ویژگی‌های ظاهری و کنش‌های آن در متن و نگاره‌های حکایت *سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال*

داستان *سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال* در شش شب روایت شده‌است. صنیع‌الملک برای این روایت چهار تصویر که هرکدام دارای سه بخش هستند، تصویرگری کرده‌است. این حکایت با روایت پادشاهی به نام *عاصم بن صفوان* و وزیرش آغاز می‌شود که آتش و آفتاب را می‌پرستیدند و هر دو از نعمت داشتن فرزند بی‌نصیب بودند و برای همین امر به سوی سلیمان (ع) می‌روند. نگاره‌های زیر (تصویر ۳-۶) بخش‌هایی از این تصاویر را نشان می‌دهد که عفریت یا دسته‌ای از عفریت‌ها، غول‌ها، و یا اجنه در آن حضور دارند. در شب هفتصد و پنجاه و نهم این حکایت، شاهد تصویر زیر هستیم (تصویر ۳).

تصویر حکایت زمانی است که حضرت سلیمان لشگر خود را از جنیان و انسیان و پرندگان فرمود که در راه ایشان باستند و پرندگان بر سر آن‌ها سایه بیندازند. این حکایت ادامه می‌یابد تا زمانی که وزیر به نزد ملک عاصم باز می‌گردد و برای او نقل کند که حضرت به او فرموده است که هردو به فراز فلان درخت بروند و در هنگام نماز از درخت به زیر آیند و به دو اژدها که در آن مکان هستند نظر افکند سر یکی چون بوزینه و سر دیگری چون سر عفریتان است آن دو را با تیر بزنند و ... (تصویر ۴).

چون شب هفتصد و هفتاد و دو برآمد، ... گفت ای ملک جوان‌بخت، ساعد

تصویر ۳. نقش‌مایه «جنیان در تصویر جنیان و خدم و حشم حضرت سلیمان در راه ایستاده و مرغان بر سر ایشان سایه انداخته»، قاب سوم از نگاره روایت شب ۷۵۹، صنیع‌الملک، کتاب *هزار و یک شب*، صفحه ۱۶۳۸، موزه کتابخانه ملی.
مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

تصویر ۴. نقش‌مایه «اجنه در تصویر ملک عاصم و وزیرش فارس تیروکمان به دست گرفته و به اجنه‌ها می‌زنند»، قاب سوم از نگاره روایت شب ۷۶۰، صنیع‌الملک، کتاب *هزار و یک شب*، صفحه ۱۶۴۰، موزه کتابخانه ملی.
مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

گفت: من با یاران خود آتش برهیزم برزدیم... به میوه خوردن مشغول بودیم که ناگاه شخصی پدید شد که گوش‌های پهن و دراز و چشمان درخشنده‌تر از مشعل فروزان داشت و گوسپندی بسیار چرانید... گفتند شما کیستید؟ گفتیم: میهمانان هستیم. گفتند: چگونه در دست این پلیدک گرفتار شدید؟ که این غولست و آدمیان را همی خورد. ما را نابینا کرد و همی‌خواهد که ما را بخورد. ما بایشان گفتیم: این پلیدک چگونه شمارا نابینا کرد؟... گفتم با آن پلیدک چه باید کرد؟ یکی از ایشان گفت برخیز و باین طاق فراز شو در آنجا شمشیری هست آنرا برداشته این پلیدک را بکش. من برخاسته سوی طاق بالا رفتم و شمشیر گرفته و سوی او روان شدم و با شمشیر دو نیمه‌اش کردم بانگ بر من زد و گفت اکنون که مرا کشتی ضربت دیگر بزن من خواستم که شمشیری دیگری بزنم. مردی که من را به شمشیر دلالت کرده بود گفت مزن که از ضربت دیگر زنده شود و ما را هلاک می‌کند... (طسوجی، ۱۳۸۷، ج. ۴، ۴۶۰-۴۶۲)
(تصویر ۵)

روایات زیادی در *هزار و یک شب* به پیوند میان جنیان و انسیان اشاره دارد؛ در ادامه روایت سیف‌الملوک نیز مورد مشابهی از این پیوند داریم. روایت شده است که سیف‌الملوک در باغ ملک شهیال به تفرج بوده است که ناگاه توسط افراد ملک ازرق ربوده می‌شود و بدیع‌الجمال برای شکایت از این امر به نزد پدر خود می‌رود. در ادامه، ماجرای درگیری میان طایفه‌های جنیان را روایت می‌کند چرا که علاوه بر نشدنی‌بودن این پیوند، دشمنی میان سیف‌الملوک و ملک ازرق بخاطر کشتن پسرش (روایت صفحه ۵۶ پاراگراف اول) نیز بر پا بوده‌است و در میان دو طایفه جنیان جنگی بر سر سیف‌الملوک و باز ستاندنش از ملک ازرق صورت می‌گیرد که با پا در میانی ملک شهیال این دو باهم قول نامه صلح می‌بندند (تصویر ۶).

پر تکرار ترین اعمال دیوان

خوردن خون و گوشت ربوده شدگان، پرش‌های بلند، فرو رفتن در زمین ،امکان تغییر شکل و... که در بسیاری از افسانه‌ها نقل شده‌است. چیزی که دراین روایت *سیف الملوک و بدیع الجمال* شاهدش بودیم ،جزء پر تکرار ترین ویژگی‌های دیو در این حکایت‌ها است. این ویژگی‌ها از این قرارند: ربوده شدن دختر زیبا روی به قصد همبستری یا به همسری در آمدن با دیو، مخفی کردن دخترک از دید همگان، دل‌بستگی شدید دیو به انسان. نکته قابل توجه در این روایات، تودرتو بودن و دنباله داربودن برخی از آن‌ها است به‌طوری که برخی از آن‌ها چندین شب به طول می‌انجامند. آنچه در برخی از دیگر داستان‌های این کتاب شاهدش هستیم، شامل دیوهایی است که فرزند یا فرزندانی دارند. شرح اعمال پرتکرار دیوان در (جدول ۱)، با در نظرگرفتن زمینه هر روایت آمده است.

تغییر شکل دیوان به شخصیت‌های انسانی

در افسانه‌های ایرانی، دیو یا غول از همه بیشتر به شمایل: گدا، رهگذر، درویش و زنی زیبا در می‌آید و مردم را فریب می‌دهد. وجه مشترک گدا، رهگذر، درویش، غریبه‌بودن، یا به عبارت دیگر عضو اجتماع‌نبودن آن‌ها است. در افسانه‌های ایرانی، جادوگران و شیطان از نظر اعمال مانند دیو عمل می‌کنند. یعنی آدم‌ها را گول می‌زنند، طلسم و افسون می‌کنند... بعضی افسانه‌های ایرانی داستان مشترکی دارند؛ فقط موجود پلید در

تصویر ۵. نقش‌مایه« غول در تصویر ساعد شمشیر کشیده و می‌خواهد غول را بکشد»، قاب اول از نگاره روایت شب ۷۷۳، صنیع الملک، کتاب *هزار و یک شب*، صفحه ۱۶۷۲، موزه کتابخانه ملی.
مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

تصویر ۶- نقش‌مایه «غول در تصویر ملک ازرق با لشکر ملک شهیال جنگ می‌کند و ملک ازرق دست‌گیر می‌شود»، قاب دوم از نگاره روایت شب ۷۷۷، صنیع‌الملک، کتاب *هزار و یک شب*، صفحه ۱۶۸۴، موزه کتابخانه ملی.
مأخذ: (نسخه ۱۲۳۶۷-۱۲۳۷۲ کتابخانه ملی ایران)

بعضی‌ها دیو و در بعضی دیگر شیطان ذکر شده‌است. پس می‌توان گفت دیو یعنی جادوگر، یعنی آدم‌های غریبه و خارج از اجتماع (تاواراتانی، ۱۳۹۳، ۱۲۸). در نمونه‌هایی از حکایت *بانو و دو سگش* و حکایت *جانشاه و شمسه* دیوها به شمایل انسان درآمده‌اند.

در فصل ۲۷ *بندهشن*، شرح وظایف اهریمن و دیوان آمده است. در این فصل فهرستی از دیوان نر و ماده آمده است و وظایف هر یک بیان شده‌است. برخی از مهم ترین دیوان در این فهرست عبارت‌اند از: آز؛ اَپوش و همکارش سپینجَروش که از دیوان خشکسالی هستند؛ ارشک دیو رشک، کینه و بدچشمی؛ اَستویهد دیو مرگ؛ اگاش و سورچشمیه دیوان شورچشمی؛ بوت دیوی که در هند پرستیده می‌شود؛ بوشاسب دیو کاهلی؛ چَشیمگ دیو پدیدآورنده گردباد و ... (آموزگار، ۱۳۸۹، ۳۸-۴۰)؛ هم‌چنین در متن فارسی زادسپَرم نیز به کارکردهای دیوان اشاره شده‌است: اهریمن، دیو آز را به‌عنوان سپهسالار خود برگزید و چهار دیو خشم؛ زرمان (دیو پیری)، زمستان، و سیجرا، سپاهبدان و همکاران او قرار داده است (فصل ۳۴، بند ۳۲؛ آموزگار، ۱۳۸۹، ۳۸- ۴۱؛ راشد مصل، ۱۳۸۵، ۷-۲۰). هم‌چنان که در این نمونه‌ها به وظایف این دیوها در متن روایات ایران باستان اشاره شده‌است، در متن روایت‌های هزار یک و شب نیز دیوان کارکردهای گوناگون، زمینی، ماورایی و مثبت و منفی دارند. نگارندگان پژوهش حاضر در طبقه‌بندی ارائه‌شده در جدول (۱)، پرتکرارترین این وظایف گردآوری و ارائه کرده است. آموزگار (۱۳۸۹، ۴۲) ضمن اشاره به اسامی دیوها، به این نکته اشاره می‌کند که هر یک از دیوان نمادی برای هر پدیده بد و صفت ناپسند هستند.

ناهماهنگی متن و تصویر

در بسیاری از نمونه‌های تصویری میان متن روایت از نظر ویژگی‌های ظاهری و کنش‌های برشمرده برای این موجودات و روایت داستانی تطابق وجود ندارد. این ناهماهنگی‌ها باتوجه به خلاصه ویژگی‌ها در (جدول ۱) در چند دسته بیان می‌شود:

● **عدم واقع نمایی اندازه‌ها و ویژگی‌های ظاهری:** نکته قابل توجه در برخی تصاویر،تفاوت استدلال در زبان کلامی و تصویری است. برای مثال در داستان‌ها با توصیفاتی از قبیل بزرگی سر و سابیده‌شدن سر دیو به آسمان روبه‌رو هستیم ولی در تصویر مشاهده می‌کنیم که سر دیو بسیار کوچک است و حتی می‌توان گفت سر به اندازه سر انسان‌های موجود در آن تصویر کشیده شده‌است و هم‌چنین جثه دیو به‌طور تقریبی با اسب‌ها برابر است. هم‌چنین در متن توصیفاتی درباره‌ی دم اژدها مانند و یا بال برای دیو آورده نشده‌است ولی این ویژگی‌ها را در تصویر برای نمایش مبالغه آمیز دیو آورده شده‌است.

● **تفاوت‌های فرهنگی مشهود میان متن و تصویر:** تفاوت سبک و شیوه تصویرسازی در مقایسه با متن روایتی *هزار و یک شب* به‌خوبی مشهود است. سبک و شیوه مصورسازی *هزار و یک شب* با انتخاب خاص صنیع‌الملک در زمان و فرهنگ و زبان متفاوتی نسبت به زمان و فرهنگ و زبان روایی داستان‌هاست: زمان داستان‌های متن *هزار و یک شب* غالباً دوره خلافت خلفای عباسی است و مکان داستان بصره و دیگر سرزمین‌های عربی است؛ در حالی که پوشاک افراد، معماری فضاها و بعضی از شخصیت‌ها در نگاره‌های *هزار و یک شب*، متعلق به تهران عصر قاجار است.

● **تفاوت ظاهری و فضاسازی توسط هنرمند:** از تفاوت‌هایی که بین متن و تصویر به چشم می‌خورد می‌توان به تفاوت میان مکان و توصیفات نویسنده با فضایی که تصویرگر برای آن ایجاد کرده است در روایت *سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال* نام برد. در یکی از شب‌های این روایت، سیف‌الملوک در جزیره‌ای می‌شود و در آنجا با فردی روبرو می‌گردد که چهره‌ای عجیب داشته و چشمانی درخشان و لباس چوپانی به تن داشته است. این روایت به درازا می‌کشد و در ادامه به غاری اشاره می‌شود که سیف‌الملوک و همراهانش در آن زندانی می‌شوند؛ اما چیزی که ما در تصویر این حکایت شاهد هستیم، تصویرگری مکانی است آجرچینی شده و در گوشه سمت چپ شاهد دو فرد هستیم که به نظاره این اتفاق ایستاده‌اند در صورتی که نویسنده به‌طور آشکار توضیح داده‌است که افراد موجود در آن غار توسط دیو نابینا شده‌اند. از دیگر تفاوت خاص بین متن و تصویر، می‌توان به شاخ و دم و لباس‌های این دیو اشاره کرد.

نتیجه

با توجه به مطالعات انجام‌شده در بررسی وجوه نمادین *دیوها* در *هزار و یک شب* می‌توان گفت، دیوها، غول‌ها، عفریت‌ها، اجنه و پریان همه از یک مجموعه به شمار می‌آیند و جایگاه این موجودات بنا بر شرایط و اتفاقاتی که در طی داستان‌ها روایت می‌شود، قابل تغییر است. در اکثر روایات *هزار و یک شب* اجنه بالاترین مرتبه را در بین این موجودات دارند، در مرتبه دوم پریان که همواره دختران یا همسران این موجودات به شمار می‌آیند و در نهایت دیوها و غول‌ها و عفریت‌ها قرار می‌گیرند که از اجنه دستور می‌گیرند. در بیشتر روایت‌های کلامی و تصویرسازی‌های وابسته به آن‌ها دیوها به‌صورت گروهی زندگی می‌کنند و فقط در نمونه‌های انگشت‌شماری به دیو تنها اشاره شده‌است. بنابر روایات در دست، می‌توان خصوصیاتی مشترک برای اکثر دیوها در نظر گرفت. این ویژگی‌های ظاهری شامل: جثه بسیار بزرگ (قد بلند، بدن ورزیده و نیروی مافوق طبیعی)؛ دندان‌هایی همانند دندان فیل و از فک بیرون زده؛ چشمانی درشت و درخشان؛ پوست تیره؛ ظاهر زشت است.

بر اساس تحلیل نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت دیوها خوب یا بد مطلق نیستند و رفتار آن‌ها بنابر واکنش افرادی که با آن‌ها روبرو می‌شوند قابل تغییر است. و جالب آن که هیچ یک از شواهد موجود بر ویژگی‌های کاملاً منفی این موجودات دلالت نمی‌کند. خصوصیات توصیف‌شده دیوها، همان خصوصیاتی است که در بین انسان‌ها زشت و ناپسند شمرده می‌شود. خصوصیاتی از قبیل: تنبلی، خواب‌آلودگی، خونخواهی، زیاده‌خواهی، گدایی، کارکشیدن و سوء استفاده از دیگران و غیره.

بنابر بررسی روایت‌های *هزار و یک شب* درمی‌یابیم این موجودات در اکثر مواقع انسان را شکار و از گوشت تنش تغذیه می‌کنند. نکته قابل توجه در این باره این است که آن‌ها گوشت را به‌صورت پخته و یا کباب‌شده می‌خورند. از دیگر خصوصیات دیوها می‌توان به قدرت تکلم به زبان‌های مختلف آن‌ها اشاره کرد. در پاره‌ای از داستان‌ها شاهد برخورد شهاب سنگ با دیوها و سپس تبدیل‌شدن آن‌ها به خاکستر هستیم؛ اما شایان ذکر است که این اتفاق برای هیچ‌کدام از دیوهایی که به دین‌دار و یا مسلمان‌بودن آن‌ها در روایات اشاره شده‌است نمی‌افتد. از دیگر خصوصیات این موجود می‌توان به قابلیت پروازکردن و یا در زمین فرو رفتنش اشاره کرد.

در این پژوهش کوشیده شد ضمن مرور تاریخچه کتاب *هزار و یک*

جدول ۱. دسته بندی ویژگی‌های ظاهری وکارکرد دیوها در تصاویر و متن *هزار و یک شب*.

ردیف	داستان‌ها	ویژگی‌های ظاهری در تصویر							ویژگی‌های ظاهری (در متن)								ویژگی‌های مفهومی (کارکردها)								تصاویر در نگاره‌ها
		بال	دم	شاخ	شباهت به اژدها	قد بلند	دندان بزرگ		قد بلند	دندان بلند	چشم بزرگ	ظاهر عجیب	شمایل انسانی	قدرت خارق‌العاده	جثه بزرگ		جنگاوری	شکارچی	آدم ربایی	دلبستگی	کارهای فراانسانی	دین داری	آدم خواری	
۱	شهربازو برادرش شاه‌زنان					✓									✓		✓		✓	✓					
۲	بازرگان و عفریت	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓			✓			✓		✓				✓				
۳	پیرمرد و دو سگش												✓	✓						✓	✓	✓			
۴	حکایت صیاد					✓						✓		✓	✓						✓				
۵	وزیر و پسر پادشاه											✓	✓	✓									✓		
۶	مکر زنان											✓	✓	✓				✓						✓	
۷	حمال با دختران											✓		✓	✓				✓	✓	✓	✓			
۸	بانو و دو سگش												✓	✓							✓	✓			
۹	نورالدین و شمسه																		✓		✓				
۱۰	مکر زنان	✓	✓	✓	✓			✓				✓		✓				✓	✓						
۱۱	جانشاه و شمسه												✓	✓							✓		✓		
۱۲	جانشاه و شمسه شب ۴۹۹		✓	✓								✓		✓	✓		✓				✓				
۱۳	حکایت جانشاه و شمسه شب ۵۰۱					✓								✓	✓		✓		✓		✓				
۱۴	جوذر													✓						✓	✓				

ردیف	داستان‌ها	ویژگی‌های ظاهری در تصویر							ویژگی‌های ظاهری (در متن)							ویژگی‌های مفهومی (کارکردها)								تصاویر در نگاره‌ها
		بال	دم	شاخ	شباهت به اژدها	قد بلند	دندان بزرگ		قد بلند	دندان بلند	چشم بزرگ	ظاهر عجیب	شمایل انسانی	قدرت خارق‌العاده	جثه بزرگ	جنگاوری	شکارچی	آدم ربایی	دلبستگی	کارهای فراانسانی	دین داری	آدم خواری		
۱۵	عجیب و غریب								✓			✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓				
۱۶	سیف الملوک و بدیع الجمال		✓	✓		✓						✓		✓	✓									
۱۷	سیف الملوک و بدیع الجمال شب ۷۶۰	✓	✓	✓	✓	✓			✓			✓		✓	✓					✓				
۱۸	سیف الملوک و بدیع الجمال شب ۷۶۱								✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓			✓				✓		
۱۹	سیف الملوک و بدیع الجمال شب ۷۶۵												✓	✓				✓	✓	✓				
۲۰	سیف الملوک و بدیع الجمال شب ۷۷۲		✓	✓		✓					✓		✓	✓			✓			✓		✓		
۲۱	سیف الملوک و بدیع الجمال شب ۷۷۸		✓	✓		✓			✓				✓	✓		✓		✓	✓	✓				
۲۲	حسن بصری و نورالسماء	✓	✓	✓	✓	✓	✓		✓	✓		✓		✓	✓						✓			

شب، به بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین درباره ویژگی‌های ظاهری و کارکرد موجودات عجیب و غریب، به ویژه دیوها، در تصویرسازی‌های کلامی و نگاره‌های بصری نسخه مصور فارسی پرداخته و نتایج قابل تعمیم را در بر اساس متن روایت‌های *هزار و یک شب* و تصاویر طبقه‌بندی شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Erwin Panofsky.

۲. پری‌ها ماده دیوانی با ظاهر زیبا که غالباً به فریب‌دادن قهرمانان در دوران گیتیی می‌پردازند (آموزگار، ۱۳۸۹، ۴۲).

۳. برای مطالعه بیشتر ن. ک.: طسوجی، عبداللطیف، *هزار و یک شب* . این کتاب توسط انتشارات نگاه در ۶ جلد به چاپ رسیده است.

4. Fei-lein.
5. Oado.
6.Axwan.
7. Xyonan.
8. Daeva.
9. Ashura.
10. (Azy-).
11. Apoaša.
12. Atav-siv.
13. Syasta-ub.
14. Nasav.

۱۵. قس. دیو سپید در *شاهنامه*، دفتر ۲۰، صفحه ۴۲.

16. Enema.
17. Yakkhini.
18. Yakha.
19. Katrina Stenou.

فهرست منابع

آژند، یعقوب (۱۳۸۳). کتاب آرایی هزار و یک شب. فصلنامه هنر، (۶۱)، ۶۲-۷۵. https://ensani.ir/fa/article

آموزگار، ژاله (۱۳۸۹). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: انتشارات سمت.

ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی دیوها و موجودات مافوق طبیعی در *عجایب‌المخلوقات* قزوینی و بحیره فزونی استرآبادی. *ادبیات تطبیقی* (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان)، ۳(۶)، ۱-۲۹. SID. https://sid.ir/paper/167119/fa

ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۷). *دیوشناسی ایرانی*. تهران: فرهامه.

افشاری، مهران؛رضایی باغ‌بیدی، حسین (۱۳۹۲). دیو. *دانشنامه جهان اسلام*، جلد ۱۸. https://rch.ac.ir/article/Details?id=13401

افشاری، مهران؛ مداینی، مهدی (۱۴۰۱). *هفت لشکر (طومار جامع نقالان) از کیومرث تا بهمن*. تهران: انتشارات سخن.

اکبری مفاخر، آرش (۱۳۸۹). *درآمدی بر اهریمن‌شناسی ایرانی*. تهران: انتشارات ترفند.

انجوی، سیّد ابوالقاسم (۱۳۶۹). *فردوسی‌نامه*. چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.

باقری، معصومه؛ کیاده، حسن (۱۳۸۸). اکوان‌دیو و «وای» اسطوره باد. *مطالعات ایرانی*، ۱۶، ۱۳۳-۱۴۰. http://noo.rs/x33Hl

بامداد، مهدی (۱۳۴۷-۱۳۵۱). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳ و ۱۴*. تهران: زوار.

برزگر، محمدرضا (۱۳۹۷). دیو در *شاهنامه*. *متن پژوهی ادبی*، ۵ (۱۳)، ۷۶-۱۰۰. doi:10.22054/ltr.2000.6638

بوذری، علی (۱۳۹۳ الف).نسخه *هزار و یک شب* کتابخانه گلستان در فهرست شیخ‌المشایخ معزی. *گزارش میراث*، ۲(۱-۲)، ۸۹-۹۴. https://mirasmak-toob.com/fa/system/files/nashriat/GM-62-63-Boozari-Moe-zi-p89.pdf

بوذری، علی (۱۳۹۳ب). نسخه خطی *هزار و یک شب*؛ نسخه‌شناسی و معرفی نگاره‌ها. *نامه بهارستان*، ۲(۳)، ۱۶۰-۲۷۵. https://www.codicology.ir/article_153608_e35d8d14031fbcbbdeb7075d00dcc2ac.pdf

پیراوی ونک، مرضیه (۱۳۹۰). تحلیل معناشناختی واژه آیکون. *متافیزیک*، ۳(۱۱)، ۴۹-۵۸. dor: 20.1001.1.20088086.1390.3.11.4.8

تاواراتانی، ناهوکو (۱۳۹۳). *دیو از افسانه تا واقعیت*. تهران: انتشارات بهجت.

حسینی سروری، نجمه؛ صرفی، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی وجوه روایتی در روایت‌های *هزار و یک شب*. نشریه *ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی باهنر کرمان*، ۱(۲۷)، ۱-۲۸. https://ensani.ir/fa/article/277195

خلیلی، مریم (۱۳۸۸). تحلیل تابلوی سفیران اثر هولباین بر اساس نظریه پانوفسکی. فصلنامه تخصصی *نقش‌مایه*، ۲(۳)، ۱۰۷-۱۰۹. https://www.sid.ir/paper/184018/fa

دلاکروا، فرانسوا پتیس (۱۷۱۰). *هزار و یک روز قصه‌های ایرانی*، ترجمه‌ی محمدحسن میرزا کمال‌الدوله و محمدکریم‌خان سرتیپ (۱۸۶۹). تصحیح و مقدمه رضا طاهری (۱۳۹۷). تهران: نشر نخستین

دیهیم، گیتی (۱۳۸۳).*تصویر دیگری (تفاوت از اسطوره تا داوری)*. کاترینا استنو (۱۹۹۸). تهران: مطالعات فرهنگی.

ذبیحی، مریم؛ سلیم‌زاده، محمدجعفر و فرخ‌فر،فرزانه (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی شخصیت‌پردازی موجودات تخیلی-تلفیقی در نگاره‌های نسخ *عجایب‌المخلوقات* قزوینی مکتب ایلخانی و مکتب گورکانی. فصلنامه نگره، ۵۵، ۳۵-۴۷. doi: 10.22070/negareh.2020.3020

ذکاء، یحیی (۱۳۴۲الف). میرزا ابوالحسن‌خان صنیع الملک غفاری موسس هنرستان نقاشی در ایران ۲. *هنر و مردم*، ۱۱، ۱۶-۳۴. https://ensani.ir/fa/article/66501

ذکاء، یحیی (۱۳۴۲ب). میرزا ابوالحسن‌خان صنیع‌الملک غفاری مؤسس هنرستان نقاشی در ایران ۱، *هنر و مردم*، ۱۰، ۱۴-۲۷. https://ensani.ir/fa/article/66501

ذکاء، یحیی (۱۳۸۲). *زندگی و آثار صنیع‌الملک*. ویرایش و تدوین سیروس پرهام. تهران: سازمان میراث فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی.

راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۵). *زادسپرم، وزیدگی‌های زادسپرم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

راشدی محصل، محمدرضا؛ حسین‌زاده هرویان،فاطمه (۱۳۹۲). بررسی پیرنگ،شخصیت‌پردازی، توصیف، زاویه دید و تصویرپردازی در داستان نبرد رستم با دیو سپید. *متن‌شناسی ادب فارسی*، ۲ (۱۸)، ۱۲۱-۱۳۸. https://rpll.ui.ac.ir/article_19361.html

زمردی، حمیرا و نظری، زهرا (۱۳۹۱). خاستگاه و رد پای دیو و اهریمن در ادب کهن فارسی. *بوستان ادب*، ۱ (۱۱)، ۷۳-۹۹. doi: 10.22099/jba.2012.229

سیف‌الدینی، علیرضا (۱۳۸۴). *شیرویه نامدار*. تهران: انتشارات ققنوس.

شاطری، میترا؛ اعراب، علی (۱۳۹۴). بررسی نگاره‌های مربوط به رستم و دیو سپید در نگارگری. *نگارینه هنر اسلامی*، ۲(۵)، ۱۵-۲۷. doi: 10.22077/nia.2015.484

شین دشتگل، هلنا (۱۳۸۴). نسخه خطی و مصور *هزار و یک شب*. *کتاب ماه هنر*، (۷۹-۸۰)، ۱۳۳-۱۴۰. https://ensani.ir/fa/article/88293

صرامی، عارفه (۱۳۹۳). تحلیل ساختاری دوگانگی نقش نمادین ماهی درهم در هنر ایرانی - اسلامی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه هنر، اصفهان.

صرامی، عارفه و مختاریان، بهار (۱۳۹۷). *تأویل و تفسیر نگاره‌های ایرانی-اسلامی بر پایه نجوم*. تهران: نشر انسان‌شناسی.

طسوجی تبریزی، عبداللطیف (مترجم) (۱۳۸۷). *الف لیلة ولیلة* فارسی. *هزار و یک شب*، ۶ جلدی: مصور. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

عظیمی‌پور، نسیم (۱۳۹۲). دیو در *شاهنامه همراه بررسی تطبیقی دیوها و شخصیت‌های منفی آیین مزدیسنا*. تهران: سخن

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *شاهنامه*. تصحیح جلال خالقی مطلق دفتر ششم با همکاری محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی.

تهران: نشر مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
کریستین‌سن، آرتور (۱۸۱۳). *کیانیان*. ترجمه ذبیح‌الله صفا (۱۳۹۴). چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
مختاریان، بهار؛ و صرامی، عارفه (۱۳۹۵). بازنمود زحل و باورهای مربوط به آن در نگاره‌ها. *چیدمان*، ۵(۱۴)، ۵۴-۶۸.
https://ensani.ir/fa/article/359192
مونسی سرخه، مریم؛ حسین‌زاده قشلاقی، سارا (۱۳۹۸). تحلیل کیفی بصری دو پرده روایی عصر قاجار. *جلوه هنر*، ۱(۱۱)، ۹۷-۱۰۹.
doi: 10.22051/jjh.2018.14335.1224
نقیب‌الممالک شیرازی، میرزا محمّدعلی (۱۳۵۶). *امیرارسلان*. تصحیح محمّدجعفر محجوب. تهران: کتاب‌های جیبی، چاپ دوّم.
هادی، محمد (۱۳۶۵-۱۳۶۶). نخستین معلم نقاشی نوین ایران(مروری بر زندگی و آثار میرزا ابوالحسن غفاری صنیع‌الملک). فصلنامه هنر، ۱۳، ۱۰۲-۱۲۷. https://ensani.ir/fa/article/116168
یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۰). مجمع‌الصنایع (تجربه نوگرایی در مشاغل کارگاه‌های سلطنتی دوره قاجار).*گنجینه اسناد*، ۳(۲۱)، ۴۲-۶۴.
https://ensani.ir/fa/article/303645

Christian Bartholomae (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Strasbourg repr. Berlin 1961.

Hart, J. (1993). Erwin Panofsky and Karl Mannheim: a dialogue on interpretation. *Critical Inquiry*, 19(3), 534-566. doi: 10.1086/448685

Klingbeil, M. (1999). *Yahweh Fighting from Heaven: God as Warrior and as God of Heaven in the Hebrew Psalter and Ancient Near Eastern Iconography* (Vol. 169). Saint-Paul.

Mitchell, W. T. (2013). *Iconology: image, text, ideology*. University of Chicago Press.

Munsterberg, M. (2013). Iconographic Analysis.

Panofsky, E., & Drechsel, B. (1970). *Meaning in the visual arts* (p. 26) Harmondsworth: Penguin Books.

Panofsky, Erwin. (1972). *Studies in iconology: humanistic themes in the art of the Renaissance*. New York: Harper & Row.